

### متن پرسش

با سلام: از برخی سخنان علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی این طور استنباط بنده هست که کل ماسوا عین الربط به حق اند و از طریق این مبنا ماهیات موجوده رو نفی میکنند و قائل میشن به این که عین الربط چون هیچ ذاتیتی از خود نداره و تمام وجود اون شآنی از وجود علت هست ماهیت هم نداره و ما اگه ماهیات رو موجود در خارج احساس می کنیم این در واقع ظهور وجود بر ذهن انسانه که ذهن در صقع خود نحوه ای استقلال برای موجود میسازه و ماهیات رو در خودش انشاء میکنه. خلاصه کلام اینکه ماهیات موجوده در قول مشهور حکما در قول آقای جوادی و طباطبایی در واقع ساخته ذهن هستند اما نه ساخته نیش غولی اگه ما در ارتباط با خارج انسان با قامت خاص یا درخت با شاخه و برگ و... می بینیم این ها انشاء ذهن ماست وگرنه در خارج یک حقیقت صرف و بسیط بدون تشکیک هست که ظهورش بر نفس ما به این اشکال هست نه اینکه اینها در خارج باشه... آیا این برداشت بنده رو از کلام آقایون شما صحیح میدونین؟ سوال ۲: من احساس کردم شما در درس حمد امام می خواهید در نهایت این نتیجه رو بگیرید تایید می فرمایید؟ سوال ۳: اگه این برداشت من صحیح باشه یعنی تجلیات الهی فقط تجلیات معرفتی هست حالا این سوال مطرح میشه که مگه ذهنی هست و انسانی هست که حق تعالی به اون تجلی معرفتی بکنه؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: برداشت خوبی است البته اگر نظر به عین الربط بودن مخلوقات نظر به وجود اشیاء باشد و از مقام امکانی عین ثابتهای آنها غفلت نشود چیزی که در سوال سوم برایتان پیش آمده است. آری از نظر وجودی موجودات عین ربط به علت حقیقی شان هستند ولی امکان شان از خودشان می باشد.